



کسب موقعیت غیرعادلانه باعث دروغ در جامعه می شود/علل و نتایج شیوع دروغگویی در جامعه

یک عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با بیان اینکه افرادی که مایل هستند به صورت غیرطبیعی و غیراستحقاقی و غیرعادلانه به موقعیت و یا شرایطی دست پیدا کنند،

یک عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با بیان اینکه افرادی که مایل هستند به صورت غیرطبیعی و غیراستحقاقی و غیرعادلانه به موقعیت و یا شرایطی دست پیدا کنند، به دروغ متوسل می شوند، گفت: افرادی که از طرق غیرعادلانه می خواهند به موقعیتی برسند متوسل به دروغگویی می شوند. به گزارش خبرنگار مهر، حجت الاسلام سیدابراهیم رئیسی، معاون اول قوه قضایه اخیراً طی سخنرانی‌ای با بیان اینکه بسیاری از پرونده‌های دادگاه‌ها محصول دروغ و هواهای نفسانی هستند، گفت: بخش قابل توجهی از پرونده‌ها به دلیل دروغ تشکیل می‌شود که اگر این مورد از جامعه رخت بریندد بسیاری از مشکلات و پرونده‌ها حل خواهد شد.

حجت الاسلام والمسلمین دکتر مسعود آذربایجانی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه در گفتگو با خبرنگار مهر در مورد پیامدهای دروغ در جامعه گفت: با دروغ، اعتماد عمومی زائل می‌شود، وقتی دروغگویی در جامعه شیوع پیدا می‌کند میزان اعتماد به یکدیگر به شدت کاهش می‌یابد و هرچه شیوع بیشتر شود این اعتماد کم‌رنگ‌تر می‌شود.

وی با بیان اینکه این وضعیت، مشکلات و زحمات زیادی را برای ما ایجاد می‌کند، افزود: مثلاً فرض کنید وقتی اعتماد عمومی از افراد سلب شود بانکها برای گرفتن وام مجبور هستند، ضمانت‌ها را بیشتر کنند و اسنادی که به‌عنوان پشتوانه وام دریافت می‌شود بیشتر شود و ... اینها مشکلاتی است که مردم برای خودشان ایجاد کردند، یعنی وقتی اعتماد مردم به یکدیگر سلب شود اوضاعی این چنینی جزو تبعات طبیعی خواهد بود.

آذربایجانی در ادامه سخنانش اظهارداشت: وقتی دروغگویی شایعه شود، افراد به هم اعتماد نمی‌کنند و سن ازدواج بالاتر می‌رود و ازدواجها بیشتر در معرض طلاق قرار می‌گیرد و زوجین نمی‌توانند ادعاهای همدیگر را به سادگی قبول کردند.

وی تصریح کرد: همچنین برای استخدام افراد و سایر مواردی که به شناخت افراد نیاز داریم این وضعیتها اتفاق می‌افتد. وقتی اعتماد عمومی در جامعه به دلیل دروغ و کذب سلب شود، چنین وضعیت‌هایی به وجود می‌آید که کار را برای خودمان سخت می‌کنیم. این وضعیتها باعث می‌شود کاری که ممکن بود در مدت 10 دقیقه یا حداکثر یک ساعت کار حل شود، ممکن است هفته‌ها یا ماه‌ها با صعوبت و دشواری انجام شود و مجبور شویم وقت خود را در این مسائل صرف کنیم.

این کارشناس در ادامه سخنانش بیان کرد: در ابعاد فردی نتایج دروغگویی هم می‌توان گفت که دروغگویی آثار متعددی دارد یعنی یکی از آثارش می‌تواند بحث اضطراب و گرفتن آرامش از انسان باشد، همان طور که در سخنان ابن سینا هست و دیگران هم گفتند کسی که یک دروغ بگوید برای محافظت از آن دروغ‌های بیشماری را بگوید. اینها نیاز به یک سری انرژی ذهنی دارد، وقتی راجع به هر حرف دروغی که به کسی می‌گوید باید حواسش جمع باشد که به مخاطب خود چه دروغی را گفته و چه چیزی را نگفته است و ... اینها انرژیهای زیادی از فرد می‌گیرد که باعث اضطراب و بیقراری در فرد می‌شود و آرامش را از فرد می‌گیرد.

عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه تصریح کرد: جهت دیگر نتیجه دروغگویی این است که اعتماد به نفس فرد پائین می‌آید، یعنی فردی که راستگو است و با صداقت با دیگران برخورد می‌کند به توانایی خود بیشتر اعتماد دارد ولی فردی که دروغگو است چون در بعضی موارد دروغگویی به ظاهر برایش موفقیت داشته است می‌خواهد وضعیت خود را از آن چیزی که هست بهتر نشان دهد و این کار به تدریج باعث می‌شود که نسبت به خود اعتمادش را از دست دهد و دلسرد شود.

وی تأکید کرد: در بعد ریشه یابی دروغگویی در جامعه هم می‌توان گفت بخشی از علت دروغگویی، مربوط به ویژگیهای شخصی افراد است و این به ضعف و ترس فرد بر می‌گردد که شجاعت لازم را در مواجهه با واقعیت ندارد. افرادی که ضعیف‌النفس یا ترسو هستند یا قدرت لازم را برای برخورد با واقعیت به صورت صادقانه ندارند متوسل به دروغ می‌شوند.

وی در مورد دیگر علل دروغگویی اذعان کرد: افرادی که مایل هستند به صورت غیرطبیعی و غیراستحقاقی و غیرعادلانه به موقعیت و یا شرایطی دست پیدا کنند، به دروغ متوسل می‌شوند، چون می‌خواهند چیزی فراتر از چیزی که وجود دارند برای خودشان مهیا کنند و واقعیت و شرایط خودشان را پنهان کنند. بنابراین این وضعیت برای آنها عادلانه نیست. افرادی که از طرق غیرعادلانه می‌خواهند به

موقعیتی برسند متوسل به دروغگویی می شوند.

وی با اشاره به اینکه یک سری از دلایل دروغگویی هم بحثهای تربیتی و اجتماعی است، گفت: در بعد تربیتی و اجتماعی بحثی بنام شرطی‌سازی عامل یا کنش در روانشناسی وجود دارد یعنی اگر وضعیت اجتماع ما به گونه ای باشد که فرد با دروغ به موقعیت مناسبتری دست پیدا کند، این عامل خود به خود تقویت کننده است و باعث دروغ بیشتر می شود. این فرد یاد می گیرد برای رسیدن به موقعیتها اگر دروغ بگوید به موقعیت بهتر و مناسبتری می تواند دسترسی پیدا کند. ما باید در مدیریت اجتماعی به این مسأله کنترل داشته باشیم یعنی تا جایی که بتوانیم از سنین کودکی تا بالاتر سعی کنیم این طور نباشد که افراد بتوانند با دروغگویی به یک موقعیت و شرایط بهتری، جایزه ای، پاداشی و ... دسترسی پیدا کنند. اگر این گونه باشد چون این امر جنبه تقویت‌کنندگی دارد و فرد به مقصود خود رسیده یاد می‌گیرد و یادگیری را نمی توان به سادگی زائل کرد.

وی در ادامه سخنانش در مورد دیگر دلایل دروغگویی بیان کرد: عامل دیگر دروغگویی، الگوهای اجتماعی است که به آن یادگیری مشاهده ای می گویند. اگر بخشی از مسئولان نزد مردم سخنی را بگویند و قوی بدهند و خلاف آنرا عمل کنند. وقتی مردم ببینند مسئولان با دروغ با مردم برخورد می کنند و با دروغگویی و وفا نکردن به عهدهای خودشان زمینه های رواج دروغگویی را در جامعه ایجاد می کنند. این نکته مهمی است که در فرمایشات امیرالمؤمنین(ع) هم اشاره شده است که فرمودند: «#الناس علی دین ملوکهم«. اگر مردم الگوهای نادرستی از مسئولان ببینند به خصوص در قشرهای متوسط به پائین، خیلی راحت این الگوی نابجا نهادینه می شود.

وی با بیان اینکه بحث دیگر در مورد ریشه‌یابی دروغگویی این است که بحث امر به معروف و توصیه عمومی در جامعه وجود نداشته باشد یا امر به معروف و نهی از منکر به مصادیق خاصی محدود شود، تصریح کرد: اگر واقعا امر به معروف و نهی از منکر و توصیه ها و نظارت عمومی و به خصوص مطبوعات آزاد ما ناظر به این نظر باشند یعنی وقتی دروغی در جامعه از هر مسئولی گفته شود این را علنی کنند. دیگر هر فردی به خودش اجازه نمی دهد که خلاف واقعیت چیزی را بگوید. یکی از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر این است که مردم و دیگران به فردی که دروغ می گوید حتی اگر مسئولی بود به او تذکر دهند. وقتی به او تذکر دادند شرایط به گونه ای می شود که دیگر آبرویی برای او باقی نمی ماند و درس عبرت برای دیگران و مانع شیوع دروغگویی در جامعه می شود.